



مکتب تربیتی علامه طباطبائی؛ تجلی‌گاه ارشاد، تنبیه و هدایت

از جمله شاخص‌ها و امتیازات مکتب تربیتی علامه طباطبائی آن است که در کنار رویکردهای جامع توحیدمحوری، بینش‌دهی و منش‌پروری، در باب روش‌مندی‌ها به سه روش ارشادی (ارشاد الجاهل)، تنبیهی (تنبیه الغافل) و هدایتی (اسوه‌برداری) پرداخته و این نکته در کمتر مکتبی به چشم می‌خورد.

از جمله شاخص‌ها و امتیازات مکتب تربیتی علامه طباطبائی آن است که در کنار رویکردهای جامع توحیدمحوری، بینش‌دهی و منش‌پروری، در باب روش‌مندی‌ها به سه روش ارشادی (ارشاد الجاهل)، تنبیهی (تنبیه الغافل) و هدایتی (اسوه‌برداری) پرداخته و این نکته در کمتر مکتبی به چشم می‌خورد.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیداحمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) رویکردهای جامع توحیدمحوری، بینش‌دهی و اعطای بینش (چرایی تربیت) و منش‌پروری (چگونگی تربیت) را از جمله شاخص‌ها و رویکردهای برجسته و ممتاز مکتب تربیتی علامه طباطبائی دانست که در کمتر مکتب دیگری این جامعیت را می‌توان مشاهده کرد.

مؤلف کتاب «#مکتب تربیتی علامه طباطبائی» همچنین با اشاره روش‌مندی‌های مکتب تربیتی علامه طباطبائی عنوان کرد: در باب روش‌مندی‌ها در مکتب تربیتی علامه طباطبائی به سه روش برخورد می‌کنیم که کمتر مکتبی بدان پرداخته است و مکتب تربیتی علامه طباطبائی از این وجه نیز شاخص و برجسته است؛ این سه روش شامل روش‌های ارشادی، تنبیهی و هدایتی هستند.

وی بیان کرد: روش‌های ارشادی را بیشتر در مواردی به کار می‌بریم که افراد حقایقی را نمی‌دانند و از آنها خبر ندارند و مکتب علامه در واقع ارشادالجاهل بوده و با جهل‌زدایی، جهل انسان را در مواردی که حقیقتی را نمی‌دانند، از بین می‌برد. روش‌های تنبیهی تنبیه‌الغافل هستند و بیشتر مربوط به افرادی می‌شود که مطالبی را می‌دانسته‌اند، اما از آن غفلت کرده‌اند و مکتب علامه آنها را متنبه کرده و از غفلت بیرون می‌آورد.

رهنمایی ادامه داد: روش‌های هدایتی نیز مربوط به افرادی می‌شود که جهالت ندارند و حقایق را می‌دانند و توجه داشته و غافل نیز نیستند، اما نمی‌توانند مسیری را طی کنند. اینجا بیشتر بحث الگودهی مطرح است؛ فلذا بخشی از روش‌مندی‌های مکتب تربیتی علامه مختص الگودهی و اسوه‌برداری است و جالب‌تر آن‌که وقتی سیره و شخصیت خود علامه را واری می‌کنیم، می‌بینیم که هر سه روش‌مندی در شخصیت ایشان نیز متجلی است.

نویسنده کتاب «#مکتب تربیتی علامه طباطبائی» تصریح کرد: اکتفا به این کتاب سبب و چند صفحه‌ای به هیچ وجه برای معرفی این شخصیت بزرگ توجیه‌پذیر نیست؛ این اثر ابتدای راه است و باید کارشناسان و متخصصانی درباره بندهند شاخص‌های مطرح شده در این کتاب، آثار جدیدی تألیف کرده و این مباحث را بازنگری و بازنویسی کنند. هیچ‌گاه ما نباید به این میزان بسنده کنیم؛ چراکه يك اقیانوس را نمی‌توان با يك قطره آب تعریف و توصیف کنیم و این کتاب قطره‌ای از اقیانوس شخصیت علامه است و ما تازه طعم این آب گوارا را چشیده‌ایم.

آیت‌الله مصباح یزدی در تقریظشان در ابتدای این کتاب آورده‌اند: «#در عصر ما کمتر استادی را می‌توان را شناسایی کرد که هم در حوزه تعلیم و هم در میدان تربیت مانند مرحوم علامه طباطبائی (رضوان‌الله تعالی علیه) توفیق یافته باشند و تلاش در تبیین راه و روش و آموزه‌های آن بزرگوار تلاشی مبارک و درخور تقدیر است» وی به بخشی از مطالبی که بزرگان معاصر ما درباره شخصیت علامه طباطبائی گفته‌اند، اشاره کرد و با بیان این‌که حتی فهم سخن این بزرگان درباره علامه طباطبائی برای ما دشوار است، گفت: در یادنامه مفسر کبیر علامه طباطبائی (ص 143) در اولین سالگرد رحلت ایشان آمده است که آیت‌الله مصباح یزدی درباره ایشان می‌گویند: به‌حق باید علامه طباطبائی را بزرگترین افتخار حوزه علمیه قم و بلکه بزرگترین شخصیت علمی جهان در این عصر برشمرد که در احیای تفکر اسلامی صحیح و مبارزه با انحرافات و بدعت‌ها و شناساندن اسلام راستین که در مکتب اهل بیت (ع) تبلور یافته است، تأثیر فوق‌العاده‌ای داشت.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در ادامه این سخن از قول آیت‌الله مصباح یزدی خاطرنشان کرد: همین‌بس که امروز اغلب رجال علمی و سیاسی روحانی کشور که چرخ انقلاب عظیم اسلامی را به گردش درآورده‌اند، از شاگردان بی‌واسطه یا باواسطه ایشان بوده‌اند. در بخشی از صحبت‌های آیت‌الله مصباح یزدی آمده است که اگر شخصیت علامه نمی‌بود، ما نمی‌توانستیم پشتوانه‌ای برای انقلاب فرهنگی داشته باشیم و روح و فکر و اندیشه علامه طباطبائی پشتوانه عظیم انقلاب فرهنگی بود.

رهنمایی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: همچنین آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در کتاب شمس‌الوحي تبریزی (ص 24) که به منظور تبیین سیره علمی علامه طباطبائی نگاشته‌اند، می‌گویند: حضرت استاد شمس‌الوحي تبریزی (قدس سره) از این بهره‌وران نادر خوان نبوت و امامت آل عصمت و اهل طهارت (ع) است که در حد خود، با طمأنینه دل به بحر عمیق تفسیر فرو رفت و بدون غرق غواصی نمود و گوهرهایی گرانها عرضه کرد.

مدیر گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با اشاره به بخش‌هایی از سخنان شهید مطهری در مجموعه آثار ایشان در احیای تفکر اسلامی (429/25) افزود: شهید مطهری در آنجا می‌گویند: نه تنها در دنیای اسلام، بلکه در دنیای غیراسلام نیز مستشرقینی که با معارف اسلامی آشنا هستند، در اروپا یا آمریکا، یکی از کسانی که در دنیای اسلام او را به صورت يك متفکر بزرگ می‌شناسند و سراغش می‌آیند، علامه طباطبائی هستند.

وی خاطرنشان کرد: این اظهارات شاگردان علامه طباطبائی در نتیجه لمس و درک حضور علامه بوده و آنان هرکدام بعضاً 30 سال از محضر علامه استفاده کرده بودند و وجودشان تفسیر علامه بوده است و نگاه و اندیشه علامه در آثار ایشان کاملاً نمود پیدا کرده است. به عنوان مثال «#مجموعه معارف قرآن» آیت‌الله مصباح یزدی که به شکلی بسیار جذاب در 9 حوزه تدوین شده است،

انعكاسی از تفسیر المیزان است که بسیار جذاب و روشن به تفسیر آنها پرداخته است.

نویسنده کتاب مؤلف کتاب «#مکتب تربیتی علامه طباطبایی» ادامه داد: با تمام این اوصاف شاگردان بزرگ علامه که سال‌ها از محضر ایشان بهره برده‌اند، اعتراف می‌کنند که ایشان را چنان‌که باید و شاید نتوانسته‌اند، بشناسند و او را درک کنند و ما باید علامه طباطبایی را به عنوان زبان گویا و رسای قرآن در عصر خود معرفی کنیم تا همه دل‌ها متوجه این مکتب بشود.

رهنمایی با بیان این‌که این اثر تحت نظارت آیت‌الله مصباح یزدی نگاشته شده است، به بخشی از سخنان معظم‌له در تقریظشان در ابتدای این کتاب اشاره و اظهار کرد: ایشان در تقریظشان آورده‌اند که: «#در عصر ما کمتر استادی را می‌توان را شناسایی کرد که هم در حوزه تعلیم و هم در میدان تربیت مانند مرحوم علامه طباطبایی(رضوان‌الله تعالی علیه) توفیق یافته باشند و تلاش در تبیین راه و روش و آموزه‌های آن بزرگوار تلاشی مبارک و درخور تقدیر است».